وصيتنامه پاسدار شهید عيدى آئينه وند

بسم الله الرحمن الرحيم

اين وصيت نامه را قبل از اينكه شهادت نصيبم شود شروع كردم و اميدوارم كه دين خود را به اسلام و قرآن و امام و امت مسلمان ادا كرده باشم. على (ع) مى‌فرمايد اى شاگردان مكتب من و دوستان و شيعيان من، نبرد كنيد و بجنگيد به ناراحتى‌ها تن در دهيد و راحتيها را بر خود حرام كنيد و برويد و بجنگيد تا فرزندانتان را سعادت دنيا و آخرت بخشيد و سعادت آنها در همين مبارزات و قيام شماست.

من هميشه مخصوصا از اوايل پيروزى انقلاب اسلامى ايران به رهبرى امام امت خمينى كبير سعى بر آن داشتم موقعيتى را بدست آورم تا بتوانم خود را در راه خدا فدا كنم و در راه او كارزار نمايم. تا اينكه جنگ تحميلى عراق به رهبرى آمريكا پيش آمد و من چون در اوايل جنگ به مدرسه مى‌رفتم و تحصيل مى‌كردم نمى‌توانستم شركت كنم.

ولى موقعى كه آخرين امتحان من تمام شد همان ساعت روانه بسيج شدم و خود را براى جنگ بر عليه كفار آماده ساختم. من براى دفاع از اسلام و انقلاب اسلامى بر عليه كفر جهانى به جبهه آمده و مبارزه كردم تا بتوانم دين خود را به اسلام و امام و قرآن و امت مسلمان ادا نمايم. راه من راهى انتخابى و در راه خدا بوده و هيچكس من را مجبور نساخته است و من شما را هم به جهاد در راه خدا سفارش مى‌كنم و به شما مى‌گويم اى مردم متعهد و مسلمان هم اكنون كه جنگ بين حق و باطل و اسلام و كفر پديد آمده برويد و جهاد كنيد و سعادت خويش را بدست آوريد.

در اين موقعيت حق اسلام را به حق فردى خود ترجيح دهيد اگر جان و مال خود را در راه خدا ايثار كنيد مطمئن باشيد كه هرگز زيان نكرده‌ايد و شما اى مردم مسلمان و مستضعفين ايران و جهان اين انقلاب را يارى نمائيد. چون اين انقلاب انقلابى اسلامى و خدائى است و زمينه ساز حكومت حضرت مهدى (عج) است. با كفر و كفار بجنگيد تا اين انقلاب به پيروزى نهائى برسد مطمئن باشيد كه پيروز خواهيد شد كه پيروزى يا در دنياست و يا با شهادت است كه در هر دو صورت پيروزى با شماست .زيرا قرآن به ما وعده پيروزى داده و مى‌فرمايد: ولا تحسبن الذين قتلوا فى سبيل الله امواتا گمان مبريد كه آنها كه در راه خدا كشته مى‌شوند مرده‌اند بلكه آنها زندگانند و نزد خداى خود روزى مى‌خورند.

و بارى وصيت مى‌نمايم كه تا آخرين لحظات جان و مال خود، از انقلاب و اسلام و قرآن و رهبر كبير انقلاب اسلامى حمايت كنيد و هميشه گوش بفرمان امام امت باشيد چون او نائب امام زمان است و هميشه دعايتان اين باشد.

خدايا، خدايا، تا انقلاب مهدى خمينى را نگهدار

 به حرفهاى پوچ اين منافقين از خدا بيخبر و از كفار بدتر گوش ندهيد كه آمريكا مى‌خواهد با كمك اين عوامل منافق روحانيت اصيل ايران و اسلام را از بين ببرد كه هرگز نخواهد توانست زيرا ملت ما از روحانيت و اسلام تا آخرين قطره خون خود حمايت مى‌كنند و اين را مى‌دانند و از رهبرشان شنيده‌اند كه اسلام بدون روحانيت مانند كشور بدون طبيب است. اما اگر اماممان اين نمونه تقواى اسلامى و رهبر بزرگ مستضعفين به زندگى جاويد پيوست، اگر امام كسى را خود انتخاب فرمودند وظيفه ماست كه از او حمايت نمائيم و اگر صلاح نشد خبرگان تشكيل مى‌شود و وظيفه ما حمايت از آن است و مردم سعى كنيد رهبرانى در خط اسلام و قرآن انتخاب كنيد اگر چنين رهبرانى انتخاب كرديد انقلاب اسلامى تداوم خواهد داشت و وظيفه شماست بعد از حمايت از امام و روحانيت اصيل اسلامى از پاسداران جان بر كف حمايت كنيد. چون اين سپاه است كه با خدا معامله مى‌كند مى‌كشد و كشته مى‌شود با مال و جان خود جهاد مى‌كند و اين حزب الله است كه پيش باز شهادت مى‌رود زيرا شهادت براى او آينده درخشانى دارد و شهادت در راه خدا براى او بهترين راه است.

سلام بر پدر و مادر و خواهرانم و برادرانم اميدوارم اين سلام آخر مرا بپذيريد هم اكنون در بين شما نيستم، مى‌دانم كه چه حالتى داريد. اميدوارم كه احساسات شما نسبت به من از روى صداقت و براى رضاى خدا باشد و ذره‌اى غم و اندوه به خود راه ندهيد زيرا آنكس كه انسان را بدنيا ميآورد و به او زندگى مى‌بخشد در آخر با يكى از طرق مختلف جانش را خواهد گرفت و چه بهتر كه جان خود را با شهادت در راه خدا فدا كنيم و برگرديم به سوى او انا لله و انا اليه راجعون

خانواده عزيزم بدانيد كه من بى هدف شهيد نشده‌ام. من راه خدا و امام و شهيدان را دنبال كرده‌ام. كسى مرا مجبور به رفتن در اين راه نكرده است و بدانيد شما مرا از دست نداده‌ايد بلكه در راه خدا هديه كرده‌ايد. مى‌دانم كه آخرين كلامهاى من براى شما دردآور است و گريه سر مى‌دهيد.

مادرم: تو يك مادرى كه فرزند خود را در راه خدا داده‌اى نبايد گريه كنى و هر چند گريه مى‌كنى و در همان حال همين گريه‌هاى مادران شهيد داده است كه سيلى از اشك را روان مى‌سازد و كاخ ستمگران و مستكبران جهانى را از ريشه و بن مى‌كند و اما اى پدر و مادر عزيزم شما خود مى‌دانيد كه چقدر شما را دوست و گرامى مى‌داشتم. وصيت من به شما اين است كه براى من گريه و زارى نكنيد. زيرا شهيدان هنگامى كه به شهادت مى‌رسند پيروز شده‌اند و من نيز پيروز شده‌ام و بايد افتخار كنى به اين پيروزى كه با شهادت در راه خدا بدست آمده است و اميدوارم فرزند خوبى براى شما بوده باشم.

و شما اى برادرانم اميدوارم كه ادامه دهنده راه شهيدان باشيد و رسالت گوهر بار خود را هميشه انجام دهيد و نماز و روزه خود را بپاى داريد و خواهرانم اميدوارم كه شما هم هميشه به قوانين اسلامى عمل كنيد و نماز و روزه و واجبات خود را انجام دهيد و امر به معروف و نهى از منكر نيز فراموش نكنيد و از همه شما بخصوص نزديكانم كه به خاطر اسلام و قرآن پيام من را كه همان پيام قرآن و اسلام مى‌باشد به گوش مردم برسانيد و امر به معروف و نهى از منكر را انجام دهيد.

ما مى‌رويم تا راه شهداى كربلاى حسين و كربلاى ايران را ادامه داده باشيم و به دوستان و آشنايان بگوييد كه خيلى معذرت مى‌خواهم كه نتوانسته‌ام از شما حلال خواهى كنم و اميدوارم كه مرا حلال كنيد و سلام من را به تمام فاميل ها و آشنايان و برادران هيئت ابوالفضل و برادران انجمن اسلامى و برادران كتابخانه برسانيد و بگوئيد بفكر كتابخانه و تبليغات اسلامى باشند.

من هم از خداوند سعادت و تكامل روز افزون جمهورى اسلامى و امام و امت قهرمان را خواهانم ما مى‌رويم تا راه حسينيان را ادامه دهيم و اميدوارم كه شما نيز راه ما را ادامه دهيد. خدايا از تو خجالت مى‌كشم كه جز جان ناقابلم چيز ديگرى نتوانستم در راه تو فدا نمايم.

والسلام عليكم و رحمته الله و بركاته

--------------------

شهید عیدی آئینه وند یکم فروردین ماه سال 1342 در روستاي نجفیه شهرستان تویسرکان از توابع استان همدان و در خانواده ای ساده زیست و اعتقادی به دنیا آمد. پدرش خیرمراد، کشاورز بود و با کار بر روی زمین کشاورزی و دامداری مخارج زندگی را تامین می کرد.

سال 1349 وارد دبستان شد و با توجه به هوش سرشار و استعدادی که داشت تا پایان دوره متوسطه درس خواند و دیپلم گرفت اما موفق به ادامه تحصیل نشد.

در سال های انقلاب در کنار دیگر جوانان و نوجوانان انقلابی در راه پیروزی انقلاب بزرگ ملت ایران گام برداشت و در فعالیت های انقلابی حضور فعال داشت. پس از انقلاب به گروه های جهادی پیوست و مشغول خدمت به خانواده های محروم و بی بضاعت شد. با آغاز جنگ تحمیلی به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پیوست و ملبس به لباس سبز پاسداری روانه جبهه های نبرد حق علیه باطل شد تا در برابر دشمن تا دندان مسلح ایستادگی کند.

سرانجام پس از سال ها مجاهدت در راه خدا در یکم اردیبهشت ماه سال 1361 در منطقه عملیاتی بانه در درگیری با گروه هاي ضدانقلاب بر اثر اصابت گلوله به سر، شهید شد و به کاروان عظیم شهدا پیوست.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد

مزار وي در گلزار شهداي زادگاهش واقع است.